

کارشناسان تحلیل می‌کنند

عبور از رادیکالیسم فرمول حفظ هستهٔ سخت ۹۰ میلیونی



زهرا طهرانی خبرنگار گروه سیاست

دفاع ۱۲ روزه ایران، موجب شد جامعه ایرانی، زودتر از آنچه کارشناسان و تحلیلگران تصویری کردند، اختلافات را کنار بگذارد و حول مفهوم وطن در مقابل تجاوز دشمن متحد گردد و تصویر

عباس سلیمی نمین:

روی اشتراکات تأکید کنیم نه افتراقات

دشمنان ایران بعد از توقف جنگ نیز ایجاد شکاف میان دولت – ملت را همچنان به‌عنوان کارویژه مهم پیش می‌برند، در این میان کوچک‌ترین رفتار یا اقدام نسنجیده می‌تواند مثل سم مهلکی برای نابودی این انسجام اجتماعی عمل کند و به‌بانه به‌دست دشمن دهد. عباس سلیمی نمین، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگویی که با ما داشته به‌الزامات صیانت از این انسجام اجتماعی اشاره کرده که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

انسجام اجتماعی دشمن را در سیاست هایش وادار به تجدید نظر می‌کند

عباس سلیمی نمین در مورد ضرورت‌های صیانت از امر ملی گفت: «برای حفظ انسجام جمعی و اجتماعی کارهای متعدد اثباتی و سلبی باید صورت بگیرد. باید از هر اظهاری که موجب بروز اختلاف بیشتر در جامعه می‌شود جلوگیری کنیم. باید از پرداختن به افتراقات پرهیز شود. طبیعی است که در هر جامعه‌ای اختلافاتی وجود دارد. درون هر جامعه زنده‌ای اختلافاتی هست اما در جامعه‌ای که عقلانیت بر آن حاکم باشد، به‌خصوص در شرایط ویزه اختلافاتش را تابیلو قرار نمی‌دهد، بلکه بر اشتراکات تأکید می‌کند. ما در جامعه مسائلی داریم که ما را به هم پیوند می‌زند؛ اعتقاداتمان، پایبندی‌مان به منافع ملی، دفاع از شأن و شئوناتمان. مسائلی هستند که می‌توانند اشتراکات را تقویت کنند؛ بنابراین عقل حکم می‌کند در شرایطی که دشمن من می‌خواهد ما را تحت‌فشار قرار دهد و شمشیر جنگ را بالای سر ما بگیرد - حتی در مذاکرات- آنچه می‌تواند دشمن را به اندیشه وادارد و او را در سیاست‌های غیرانسانی‌اش به تجدید نظر برساند، وحدت ماست، تیرداختن ما به اختلافات است.»

■ **مردم بهتر از برخی سیاستمداران**

انسجام اجتماعی را حفظ کردند

سلیمی نمین مقایسه‌ای از رفتارهای برخی سیاستمداران و مردم عادی در فهم انسجام اجتماعی ارائه کرد و گفت: «در این زمینه نیروهای عامه مردم، فهم بالاتری از نیروهای حزبی و گروهی دارند. درحالی‌که توده‌های مردم منابع ملی را خوب می‌فهمند، آنجا‌که لازم باشد شعار وحدت می‌دهندو کاری که این شعارن وحدت را مخدوش کند به‌هیچ‌وجه نمی‌گویند. علی‌رغم اینکه مشکلات زیادی را تحمل می‌کنند ولی حاضرند برای نیل به هدف و برای تقویت اشتراکات از این مسائل عبور کنند، اما متأسفانه برخی نخبگان ما و سیاستپون و افراد حزبی ما این‌گونه نیستند. گاهی مواقع فکر می‌کنند که برای تقویت جایگاه حزبی‌شان مناسب است که از شرایط ویژه استفاده کنند و این به‌هیچ‌وجه شایسته نیست. شما نگاه می‌کنید و می‌بینید که بعد از همه‌جه صهیونیست‌ها به ایران و شکستشان و اینکه نغمه‌هایی را سازمان می‌دهند که «ما مجدداً مثلاً فلان کار را خواهیم کرد»، برخی نیروهای سیاسی به‌جای پرداختن به اشتراکات- تادشمن تصور نکنند که می‌تواند از اختلافات طبیعی جامعه ما بهره‌برد- بحث‌هایی را مطرح می‌کند که به‌هیچ‌وجه شایسته نیست. بحث‌هایی که عمدتاً نوعی فرصت‌طلبی در آن‌ها وجود دارد یا به تعبیر دیگر نوعی عدم‌درک شرایط در آن‌ها دیده می‌شود. درحالی‌که انتظار از آن‌ها بیشتر است؛ انتظار فهم بالاتر فرهنگی از آن‌ها می‌رود. اما گویی فهم آن‌ها از متوسط جامعه پایین‌تر است. در این چندروزه دیدید که نخبگان سیاسی در این وادی پل‌های زیادی را پشت سر گذاشتند، درحالی‌که مردم - عرض کردم - هرگز این کار را نکردند. مثلاً فرض کنید اعتراضی از جانب مردم در ارتباط با مشکلات روزمره‌ها شاهد نیستیم، یا در فضای جامعه کمتر این بحث‌ها را مطرح می‌کنند. نه اینکه مطرح نمی‌شود، ولی به‌گونه‌ای نیست که دشمن را خوشحال کند. اما متأسفانه ما از جانب برخی نیروهای سیاسی حرف‌هایی را می‌شنویم که انتظارش را از دشمن داشتیم. شایسته نیست. قطعاً در تاریخ، این‌گونه سخن گفتن شایسته ما نخواهد بود که این قدر فهم سیاسی یک فعال حزبی و گروهی نازل باشد. در بین احزاب و گروه‌هایمان متأسفانه این مطلب پررنگ است که منافع ملی را در بیشتر مواقع، در برابر منافع حزبی، کم‌رنگ می‌بینند. خیلی افق دور را نمی‌بینند. اگر افق دور را ببینند، قطعاً منافع جمعی را بر منافع محدود گروهی خود ترجیح می‌دهند. ولی خب، این نگاه نازل متأسفانه وجود دارد.»

جریانات سیاسی نیروهایشان را مهار کنند

سلیمی نمین در مورد اینکه چه اقداماتی می‌تواند مثل سم مهلک برای انسجام اجتماعی عمل کند هم توضیح داد: «یک شبکه بسیار قوی و یاسابقه‌ای در ایران امروز دارد روی افتراقات کار می‌کند. اگر این را بفهمیم، اگر این را درک کنیم، طبیعتاً از آقای صدیقی دعوت نمی‌کنیم. اگر این را بفهمیم، چرا باید بر افتراقات تأکید کنیم؟ حضور آقای صدیقی، یعنی تأکید بر افتراقات. خب ما امام‌جمعه‌هایی داریم که می‌توانند اشتراکات را تقویت کنند، چرا روی آن‌ها تأکید نداشته باشیم؟ چرا باید بحث‌هایی را علیه‌دولت به‌نام تقویت مثلاً مباحث دیپلماتیک، مطرح کنیم و حرف‌هایی بزیم که موجب افتراق شود؟ یا کسانی که علیه‌دولت و علیه‌آقای پزشکپان سخن می‌گویند و موضع‌گیری می‌کنند، ندانسته یا دانسته، چیزی را تولید می‌کنند که دشمن می‌خواهد. می‌خواهد این نتیجه‌الگیریم که بعضی‌ای ققی و کمی در پشت میسایر مشکل ماست. ما الان بعضی‌ها را در جامعه داریم که جایگاه بالای سیاسی دارند، اما به لحاظ فهم سیاسی بسیار نازل هستند. خب، لازم است جریانات سیاسی نیروهای خودشان را بیشتر مهار کنند. یعنی تلاش کنند که این‌ها تابیلوی گروه سیاسی‌شان نباشند. مادر درون جریانات سیاسی خود افراد بسیار فرهیخته‌ای داریم. رسانه‌ها هم باید بروند سر اغ‌همین‌ها در شرایط ویژه و هم احزاب و گروه‌ها باید بیشتر نیروهای فرهیخته خودشان را میدان‌دار بسازند. این دو کار، یک انتظار طبیعی است. البته بعضی نیروهای رسانه‌ای تلاش می‌کنند که خودشان را از طریق حرف‌های شاذ مطرح کنند. دیگر الان باید از این کارها یک مقداری دست بردارند، دنبال جنگجانی نباشند. غالباً این بحث‌ها در شرایط عادی از طریق رسانه‌های جنگجالی‌ساز داخلی دنبال می‌شود. در شرایط ویژه آن‌ها هم باید یک مقداری از جنگجالی‌سازی فاصله بگیرند. حالا لازم نیست برای اینکه دیده‌شوند عوار را ببندازند تا دیده‌شوند، با خبرهای نرازگونه خودشان را مطرح کنند. باید هرکس از این‌ها در شرایط ویژه کمی تحمل بیشتری را جمع به رفتار سیاسی خودش داشته باشد که متأسفانه امروز نمی‌بینیم. باید ما پایبندی‌مان را به مصالح ملی، به‌مراتب بیشتر از این نشان بدهیم. الان من باید روی هر کلمه‌ام هم دقت کنم که مبدا حرفی بزنم که خودش منشأ اختلاف باشد. اما متأسفان از اینکه تعدادی -حالا خیلی اندک- به‌جای اینکه جامعه را به ایستادگی تشویق کنند، جامعه را در مسیر اختلاف قرار می‌دهند. این شایسته نیست. فهمش هم خیلی سخت نیست که کدام مسیر بر اساس مصالح جامعه است. دعوت و حضور یک شخصیت ممکن است خیلی ایرادی به آن وارد نباشد، ولی وقتی می‌بینیم که منشأ اختلاف می‌شود، خب قطعاً نباید این کار را کنیم. انتظار این میزان عقل از جاهای تصمیم‌ساز که دیگر خیلی زیاده‌خواهی نخواهد بود.»

کامل‌تر و دقیق‌تری از شکل‌گیری امر ملی در جامعه ایرانی، مشاهده شود. رهبرانقلاب نیز در اولین سخنرانی عمومی بعد از جنگ به ضرورت حفظ و صیانت از امر ملی اشاره کردند و محافظت از این انسجام اجتماعی را وظیفه همه افشار، روزنامه‌نگاران، روحانیون و امامان جمعه دانستند. با این حال در روزهای گذشته، اظهارنظرها و مواضعی در فضای سیاسی مطرح شد که ادامه و تعمیم آن

ناصرایمانی:

تحریک مردم در شرایط جنگی به همبستگی اجتماعی ضربه می‌زند

اختلافات و کشمکش‌های بی‌معای سیاسی که در میان برخی سبایسون مطرح است، به‌وضوح این گزاره را اثبات می‌کند که برخی از سبایسون درکی از مفهوم جنگ ندارند، به همین خاطر نیز رهبر انقلاب تأکید ویژه‌ای بر حفظ امر ملی داشتند، اگر با همین عینک به برخی از تصمیم‌گیری‌ها، نگاه کنیم نشانه‌هایی از غفلت از این موضوع مهم دیده می‌شود، درگفت‌وگو با ناصرایمانی، کارشناس مسائل سیاسی به ضرورت‌های صیانت از امر ملی پرداختیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

بلوای اجتماعی فاکتور اصلی تجاوز به ایران

ایمانی به این موضوع اشاره کرد که ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه حتی برخلاف انتظارات بودو گفت: «مسئله انسجام ملی، یک پدیده غیر قابل یاورو پیش‌بینی بود که در جنگ‌تحمیلی ۱۲ روزه اتفاق افتاد، شاید در طول دوران بعد از انقلاب ۸۰ سال دوران بعد از جنگ، شاهد این نوع انسجام به این شکل و در مدتی کوتاه نبودیم. همه کسانی که عرق‌همی و عرق‌مذهبی، اعم از داخل و خارج کشور داشتند، ناخودآگاه به‌صحنه آمدند، حتی برای بسیاری از تحلیلگران داخل کشور، جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، سبایسون که تا قبل از جنگ ۱۲ روزه از واگرایی شدید میان مردم و نسل زدو فاصله مردم با حکومت، خروج از کشور به‌دلیل این شرایط حرف می‌زدند، باورپذیر نبود که به این سرعت و حتی ظر چندساعت، مردم بپایند و از نظام که از کشور دفاع می‌کرد، حمایت کنند. این همان اشتباهی است که آمریکا و اسرائیل هم مرتکب شدند. نکته دوم این است اگر بپذیریم که در تحلیل علل هجوم صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها به ایران، موضوع مسئله هسته‌ای نبود و فاکتور و عامل اصلی‌شان ایجاد بلورای اجتماعی و آشوب‌های داخلی بود که توانند کوفتدانی را در داخل کشور سازماندهی کنند و از داخل کشور را از هم متلاشی کنند و انسجام اجتماعی مردم را از میان ببرند، با توجه به این دو نکته مسئله حفظ انسجام اجتماعی و اهمیت پاسداشت آنچه به‌دست آوردیم، عیان می‌شود. نکته آخر هم این است که صرف‌نظر از مسئله جنگ و درگیری با آمریکا و اسرائیل، برای پیشبرد امور جاری کشور نیاز به انسجام ملی داشته و داریم، با توجه به اینکه فشارهای شدید خارجی روی کشور وجود دارد و ممکن است با مسئله انسپیک، بیشتر هم‌شود، انسجام ملی را آنجا هم نیاز داریم، بنابراین می‌توانیم بگویم عملیات نظامی دشمن، باعث شد هدیه ملی و الهی برای انسجام اجتماعی دریافت کنیم، البته اگر بتوانیم آن را حفظ کنیم.»

حفظ همبستگی اجتماعی مهم تر از تقویت پدافند هوایی

ایمانی اهمیت حفظ انسجام را به‌انرازه تقویت پدافند هوایی کشور دانست و گفت: «صحبت‌رهبر انقلاب ضرورت و جدیت پاسداشت از انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد، همان قدری که پدافند هوایی برای کشور اهمیت دارد، بیش از آن همبستگی ملی اهمیت دارد یا هر حرکتی که انسجام را به هم می‌زند باید برخورد کنیم. یکی از اقداماتی که باید انجام دهیم این است که جریانات سیاسی کشور روی این موضوع حساس باشند و نسبت به مواضعی که درون جریانات خودشان مطرح می‌شودو انسجام اجتماعی را برهم می‌زند، واکنش نشان دهند. این وظیفه-جریانات سیاسی است که خودشان اعتراض کنند و اجازه شروع و رشد به جریانات ضد همبستگی ملی را ندهند. رهبر انقلاب در فرمایشانشان در مورد به‌کارگیری ادبیات یکتای را مطرح کردند: صحبت سر این نیست که اگر کسانی به موضوعی نقد دارند آن را مطرح نکنند، صحبت بر سر نوع ادبیات است و بر سر این است که مطرح کنندگان اطلاعات کافی داشته باشند و اگر اطلاعات ندارند صحبت نکنند. نکته دیگر این است که شرایط فعلی را درک کنند. اگر این شرایط نبود بعضی از انتقادات وارد بود؛ اما این شرایط کشور اقتضا می‌کند بر رخ حرف‌ها که اهمیت ندارند بیان نکنیم و اگر هم قرار است گفته شود سعی شود آن را به گوش افراد، سازمان‌ها و یا پادهاهایی که مربوط هستند، برسانند نه اینکه در فضای رسانه‌ای مطرح کنند که دل‌های مردم را نگران کنند. نکته دیگر آنکه اگر فکر می‌کنند، مطالب مهم نیست، صحبت نکنندو سکوت کنند؛ بنابراین اگر صاحب‌نظرانی با فرض اینکه هیچ عنادی ندارند، می‌خواهند صحبت یا نقادی کنند باید به این نکات توجه کنند.»

تنظیم بسیج افکار عمومی متناسب با حالت جنگی

باید به این موضوع توجه داشت که در شرایط جنگی همه اقتضانات و شرایط باید متناسب با این وضعیت تنظیم شود. ایمانی در توضیح این موضوع هم گفت: «یک نکته مهم در این رابطه وجود دارد، انگار نوعی هم‌پوشانی در برخی اظهارات وجود دارد و می‌خواهند کسانی را تحریک کنند. برای مثال کسانی در کشور این موضوع را مطرح می‌کنند که ما باید برویم و سریع مذاکره کنیم، آن‌ها می‌دانند که آستانه تحریک‌پذیری کسان دیگری همین مسئله مذاکره است. در واقع این موضوع را مطرح می‌کنند که گروه دیگر تحریک شوند. برخی اظهارات که تندروی محسوب می‌شود و با الفاظ تند است ناشی از تحریک‌هایی است که کسان دیگر انجام می‌دهند. باید مراقبت کنیم که اگر در این شرایط، لازم است مذاکره‌ای شود، رهبری حضور دارند و حداقل در پنج‌شش ماه گذشته برای همه اثبات شد که رهبری در سیاست خارجی، بسیار پخته عمل می‌کنند. اگر برای برخی مشخص نبود؛ اما در این مدت و بعد از شروع مذاکرات و پس از آن جنگ و تدابیر حین جنگ، مشخص شد که ایشان کشور را مهارانه پیش می‌برند. اعتماد کنیم و حتی کسانی که فکر می‌کنند در این شرایط کشور نیاز به مذاکره دارد اجازه‌ها دهند، اگر نیاز باشد رهبری این اجازه را خواهند داد، کمالاتیک همین هم شد، سه ماه پیش، اجازه مذاکرات دادند. اینکه برخی مسئله مذاکره را مطرح می‌کنند و برخی هم در پاسخ به آن‌ها برچسب وطن‌فروشی می‌زدند، فقط باعث ایجاد درگیری می‌شودو الان شرایط مطرح کردن چنین اظهارنظر‌هایی نیست. باید بپذیریم که شرایط جنگی است و رفتار‌هایمان متناسب با آن تنظیم شود. هم‌نوع بیان‌اتمان باید جنگی باشد، هم‌ذخایر استراتژیکمان متناسب با شرایط جنگی باشد، هم مسائل امنیتی باید باتوجه به این شرایط باشد. جنگ که فقط و مشکو و پدافند نیست، در این شرایط همه رفتارها، افکار عمومی، مسائل نظامی و حتی بسیج اجتماعی هم باید حالت جنگی به‌خود بگیرد، متأسفانه در این زمینه صاحب‌نظران و دوستان نگاه نمی‌کنند که جنگ یعنی چه. نباید فضای عمومی کشور را ملتهب کنند.»

ایستادن روی موضوعاتی که مردم به آن حساس هستند ضد همبستگی اجتماعی است

ایمانی به این موضوع هم اشاره کرد در برخی تصمیم‌گیری‌ها باید توجه داشت که برخورد درست با موضوعاتی که مردم در آن حساسیت دارند، می‌بایست صورت گیرد، وی گفت: «اگر مسئولان دستگاه‌های مختلف می‌دانند که آستانه تحریک‌پذیری مردم کجاست سعی کنند آن را تا مدتی دست‌انرا آرام‌شود، تحریک نکنند. فکر می‌کنم متأسفانه برخی قصد تحریک کردن دارند و عوام‌اندل برخی کارها را انجام می‌دهند و نمی‌توان اسم آن را جهالت گذاشت و متحصصاً به دنبال تحریک افکار عمومی هستند، می‌دانند که بخشی از مردم نسبت به موضوعی حساسیت زیادی دارند همان کار را انجام می‌دهند و این آسیب‌زدن به همبستگی اجتماعی است.»

می‌تواند به مثابه سمّ مهلکی برای این انسجام اجتماعی عمل کند. این موضوع بارها از زبان جامعه‌شناسان، تحلیلگران و مهم‌تر از همه رهبرانقلاب مطرح شده که هراقدامی که جامعه ایرانی را به سمت قطبی‌شدن و چنددستگی ببرد، بازی در زمین دشمنان صهیونیستی است که با تصور آنکه تجاوز به ایران می‌تواند این فروپاشی اجتماعی را محقق کند، دست به این حمله زدند. نباید

سعید آجورلو:

تأکید رهبری بر امر ملی اتمام حجتی است با شکاف‌سازان

سعید آجورلو معتقد است، انسجام اجتماعی ایجاد شده بعد از جنگ، دوران جدیدی از جامعه‌شناسی سیاسی ایجاد کرده و نمی‌توان با قطب‌بندی‌های سابق به جامعه‌نگاه کرد. او به این موضوع تأکید دارد که رهبر انقلاب نیز ناظر به همین تغییرات بر ضرورت حفظ انسجام اجتماعی و امر ملی تأکید دارند. در ادامه مشروح گفت‌وگو با سعید آجورلو، جامعه‌شناس سیاسی را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

رهبرانقلاب، فراتر از قطبی‌سازی‌ها به وطن توجه دارند

سعید آجورلو، تأکیدات رهبرانقلاب در مورد حفظ انسجام اجتماعی را تأکید همیشگی ودانمی رهبرانقلاب در سال‌های گذشته خواند و در تبیین آن گفت: «بعد از جنگ ۱۲ روزه، وارد دوران جدیدی از جامعه‌شناسی سیاسی شدیم، به این معنا که شکل روابط دولت – ملت، برخلاف دو تفکر فرو پاشی اجتماعی و ایده هسته سخت است؛ عده‌ای فکر می‌کردند که جامعه بعد از جنگ فرو می‌پاشد، عده‌ای هم گمان می‌کردند که در جامعه فرو پاشید، اقلیتی از کشور و نظام دفاع می‌کنند. هر دو گمان غلط بود. این اتفاق در سطح اجتماعی و نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های مختلف هم تأیید گرفت و واقعیت جامعه بود. صحبت رهبری به یک معنا متکی به تحولات جدید اجتماعی و سیاسی است. در نگاه ایشان، فراتر از رویکرد قطبی‌ساز و شک‌اف‌ساز، مسئله وطن و ایران که تحت عنوان امر ملی از آن یاد می‌کنیم، به میان آمده است. رهبری ویژگی‌های این دوره را تبیین کردند و پیش از این نیز نگاه رهبرانقلاب همین بوده است، حتی قبل از جنگ نیز نگاه ایشان به موضوع امر ملی همین بودو هویت ملی را به رسمیت شناختند، رهبرانقلاب، درباره روابط ایران و اسلام، و رویکردهای افراطی دوطرف را قبول ندارند و رویکرد معتدل و میانه‌را می‌پذیرند که در تعریفشان از هویت ملی، مورد توجه قرار دارد، حتی حملاتی مثل اینکه اگر با نظام مسئله دارید، به خاطر ایران بیایید و رأی دهید، نشانه‌ای از این نگرش است، اینکه در شب عاشورا از آقای محمود کریمی خواستند که درباره ایران بخوانند، یک بخشی از همین واقعیت است.»

قدرت اجتماعی باید با تعریف و بازسازی شود

تأکید رهبر انقلاب به حفظ انسجام اجتماعی، نوعی اتمام حجت نیز با دوقطبی‌سازان بود، آجورلو، در این باره هم گفت: «سخنرانی رهبرانقلاب، اتمام حجت با کسانی است که می‌خواهند شکاف بسازند؛ بین امت و ملت، بین امر ملی و مذهبی، بین سلیقه‌های مختلفا اجتماعی و سیاسی. پایانی بر این شکاف‌سازی‌هاست. کسانی که خودشان را تابع و مقلد رهبری می‌دانند و رهبری را فصل الخطاب می‌دانند، امروز زمانی است که باید، بر این اساس عمل کنند، حتی با وجود اینکه طرف مقابل، حرف نامربوطی هم می‌زند، به گونه‌ای پاسخ دهند که به این شکاف افزوده نشود، این موضوع در کلام رهبری بود، حتی باید اینقدر مراعات شود چون قدرت اجتماعی، بخشی از دفاع ملی ماست. به هم خوردن همبستگی اجتماعی به دفاع ملی ضربه می‌زند. با توجه به صحبت‌ها رهبرانقلاب، مرزهای تازه و جدیدی برای دفاع و همبستگی ملی به وجود آمده که در این مرزها، باید رواداری بیشتری شود و بر افزون همبستگی‌ها تلاش بیشتری شود و برای کم کردن شکاف‌ها و باز نگشتن به دو ایده فروپاشی اجتماعی و هسته سخت تلاش شود. گفتمان رهبری، تأییدکننده امر ملی و دفاع میهنی است و تعریف گسترده‌ای ارائه می‌کند که شامل همه اقشار اجتماعی، همه سلیقه‌ها می‌شود. همانقدر که در حوزه سخت و قدرت سخت، تجهیز و تدارک و بازسازی اهمیت دارد، در این حوزه نیز مراقبت و بازسازی و تعریف درست، دارای اهمیت است. تعریف قدرت اجتماعی ای که در کنار قدرت سخت و حوزه‌های نظامی وجود دارد.»

هر دو جناح با تئدر و هایشان مرزبندی کنند

با این حال موجودیت برخی گروه‌ها، در باز تولید همین دوقطبی‌هاست، موضوعی که سعید آجرو در توضیح آن گفت: «تهدیدها در مقابل این تفکر و گفتار خیلی جدی است، چون گفتار رهبری هرگونه دوقطبی‌سازی، شکاف‌سازی، ستیز، خصومت، منازعه را طرد می‌کند و کنار می‌زند. طبیعتاً گروه‌هایی هستند که موجودیشان در همین است، در جناح راست، کسانی هستند که می‌خواهند ایده هسته سخت را جلو ببرند، ایده هسته سخت مقابل ایده امر ملی قرار دارد، از آن سمت گروهی تحت عنوان گذار طلبان هستند که در نامه ۷۰۰ نفره خودشان را نشان دادند و دنبال این هستند که بین دوقطبی برانندازی و حفظ وطن فضای جدیدی برای خودشان باز کنند و بگویند ما هم با جمهوری اسلامی می‌خالقیم هم با جنگ مخالفیم. در حالی‌که این فضا اصلاً قابل شکل گرفتن نیست و هرگونه حرف از مجلس مؤسسان، علاوه بر اینکه اصلاً از نظر شکلی اشتباه است، چون نظامی که خودش را در مقابل حمله اسرائیل و آمریکا حفظ کرده است، در مقابل ایده مجلس مؤسسان باید خودش را به یک سری اپوزیسیون واگذارد کند که اصلاً منطق ندارد. جای از آن ایده گذار طلبی، ایده برانندازی است و می‌خواهد هدف اسرائیل و آمریکا را نرم جلوه‌برد، بر این اساس می‌خواهد، فضای سومی ایجاد کند که اصلاح طلبان علیه این فضا عمل کردند و نیاز است، موضع‌گیری هم بکنند و مرز خودشان را شفاف کنند. درون جمهوری اسلامی وقتی از همبستگی ملی و امر ملی حرف می‌زنیم، اصلاح طلبان درون حکومت نیز در همین دایره مدیه می‌شوند، می‌برند. اعتماد کنیم و مرزبندی با ۷۰۰ نفر داشته باشند، همانطور که در سمت جریان انقلاب نیز لازم است با گرایش‌های راست توده‌ای و راست جنبشی که به دنبال عبور از نهادهای رسمی، ایجاد بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی هستند، کنترل شوند. سرنشک‌هایی هستند که می‌خواهند از روحیات بدنه، برداشت سیاسی کنند، در حالی که بدنه با این‌ها تفاوت دارد و به یک معنا نوعی نگاه سیاسی به بدنه دارند. در نگاه چپ نیز لازم نامه ۷۰۰ نفره مرزگذاری شود، تا حدودی هم این اتفاق افتاده است، بنابراین ایده نامه ۷۰۰ نفره، یک نوع برانندازی است و یک دوقطبی حفظ کشور و نظام در برابر سلطنت طلب‌ها و منافقین وجود دارد، ایده سوم به نفع این برانندازی کار می‌کند و با آن تفکر قابل تمایز نیست، حتی اگر گفتارش به دنبال ایجاد تمایز باشدو ادبیاتش فرق کند. گرایش راست افراطی و رادیکال و توده‌ای اگر خیر خواه مملکت و کشور است، باید دست از رویکرد قبلی‌اش بردارد. انتخابات ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، تمام شده است و باید از فضای انتخابات بیرون بیاییم، آن صحبت‌ها برای فرای بعد از انتخابات بود، حرف‌های فرای بعد از جنگ تفاوت می‌کند و باید فرق داشته باشد و باید حرف‌های ملی باشد، حرف آن‌ها کار نمی‌کند، حرف آن ۷۰۰ نفر هم کار نمی‌کند و به نفع گرایش برانندازی کار می‌کند و به براندازی اثرزی می‌دهد، حتی اگر بین خودشان اختلاف وجود داشته باشد. بر این اساس خیرخواهان و کسانی که نام انقلابی را برای خودشان می‌پسندند، اگر می‌خواهند خیرخواهانه عمل کنند، باید دست بردارند، فرمایش حضرت آقا خیلی صریح است، اینکه تأکید می‌کند، با بر زمین نگویند. در مورد چیزی که اطلاع ندارید اظهار نظر نکنید، مخاطب آن هم معلوم است، نیروهای سیاسی جمهوری اسلامی، یک دور صحبت‌های رهبری را مرور کنند و اگر مخاطب رهبری هستند، خودشان را اصلاح کنند و اگر غیر از این است و خوب عمل کردند، سعی کنند، دیگران را اصلاح کرده و منطقی عقلانیت انقلابی را گسترده کنند که به نفع کشور است.»

فرهیختگان

بازرسی



شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴



شماره ۴۴۴۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۷